

علامه طباطبایی (ره) از نگاه بزرگان

« آقای طباطبایی مرد بزرگی است و حفظ ایشان با این مقام علمی لازم است.» همچنین ایشان در اوایل انقلاب خطاب به علامه طباطبایی فرموده بودند:



امام خمینی (ره) و آقای طباطبایی مرد بزرگی است و حفظ ایشان با این مقام علمی لازم است. همچنین ایشان در اوایل انقلاب خطاب به علامه طباطبایی فرموده بودند:

همجواری شما برای ما مغتنم است. آیت الله خامنه ای و مجموعه ای از معارف و فرهنگ اسلام بود؛ فقیه بود؛ حکیم بود؛ آگاه از اندوخته های فلسفی شرق و غرب بود؛ مفسر قرآن بود؛ از علوم اسلامی، یعنی علومی که از اسلام نشأت گرفته یا از آن تغذیه کرده است، مطلع بود؛ از اصول، از کلام، ادبیات، از نجوم و هیئت و ریاضیات و از برخی علوم بی نام و نشان دیگر.

(علامه طباطبائی در علوم رمل و جفر و اعداد و حساب و جمل و ابجد مهارت عجیبی داشت و با برخی از این علوم بسیار مأنوس بود.)

شخصیت او در لابه لای این دانستنی های بسیار، به کمک ریاضتی مداوم و درازمدت پرورده، صیقل یافته و پرداخته شده بود. از کسانی بود که تنها مکتب جامعی چون اسلام می تواند امثال او را در دامن پربرکت خویش پرورش دهد. چهره معنوی او، سیمای پرصلابت مردی بود که ایمانی استوار و عرفانی راستین را با دانشی گسترده و عمیق توأم ساخته و با آمیزه شگفت وجود خویش، ثابت کرده بود که اسلام می تواند سوز درون دلسوختگان شیفته را با عقل راسخ فرزنانگان فرهیخته یکجا گرد آورد.

او تلاش و جهاد بی انتها و خاموش نشدنی خود را هم به این معجون الهی درآمیخته بود. در یکی از حساس ترین دوران های حیات اسلام و تشیع، جانانه به دفاع از حریم معنویت اسلامی و حکمت و معرفت الهی برخاسته و مفاهیم زیبای اجتماعی اسلام را از آیات کلام الهی استخراج کرده و به عرضه کامل و جامع اسلام پرداخته بود.

او که در سفره متاع ارزنده حوزه علمیه قم در شمار درخشنده ترین گوهرها بود و به آن مدرسه اسلامی پربرکت ارزش می بخشید تنها به آن حوزه محدود نشده بود و به تدریج در همه حوزه های علمی و در هم محافل اسلامی و در سطح وسیع جامعه، حضور خود را مجسم تر و برجسته تر می ساخت، معارفی که از زبان و قلم او بر صفحه دل ها و کاغذها نقش بسته بود از صدها و هزارها زبان و با صدها و هزارها بیان در همه جا منتشر می گشت و به همه کس علم و معرفت می آموخت...

...این چشمه جوشان و فیاض دانش و عرفان و تقوای اسلامی، در راه تعلیم و تربیت شاگردانی که هر یک در عالم اسلام دانشمندی برجسته اند، توفیقی کم مانند داشته است...

استاد مطهری (ره) این مرد واقعاً یکی از خدمتگزاران بسیار بزرگ اسلام است، او به راستی مجموعه تقوا و معنویت است، در تهذیب نفس مقامات بسیار عالی طی کرده... کتاب تفسیر المیزان ایشان یکی از بهترین تفاسیری است که برای قرآن مجید نوشته شده است... من می توانم ادعا کنم که بهترین تفسیری است که در میان شیعه و سنی از صدر اسلام تا امروز نوشته شده است...

تفسیرالمیزان همه اش با فکر نوشته نشد، من معتقدم که بسیاری از این مطالب از الهامات غیبی است، کمتر مشکلی در مسائل اسلامی و دینی برایم پیش آمده که کلید حل آن را در تفسیر المیزان پیدا نکرده باشم.

آیت الله جوادی آملی .. اگر استاد علامه طباطبایی را فارابی عصر بنامیم سخنی به گزاف نگفته ایم ... شهید مطهری (با آن همه علم و فضیلت) در مقابل علامه، به سان قطره ای بود در برابر دریا!

آیت الله حسن زاده آملی به محضر مبارک جناب آیت الله حاج شیخ محمد تقی آملی - رضوان الله تعالی علیه - مشرف شدم که سخن از علامه طباطبایی، به میان آوردم. مرحوم آقای آملی به من فرمودند:

آقا، اگر کسی باید در تحت تصرف و تعلیم کاملی به جایی برسد و قدمی بردارد، من برای شما بهتر از جناب آقای طباطبایی، کسی را نمی شناسم...

ایشان [علامه طباطبایی] از اولیاءالله بودند، همواره در حضور، در مراقبت، در توجه بودند...

علامه طباطبایی بدون گزاف و بدون اغراق در فن اصول و فقه هر دو مجتهد بود.

آیت الله جعفر سبحانی از نظر علمی و فرهنگی نباید مرحوم علامه طباطبایی را یک فرد به حساب بیاوریم؛ چرا که ایشان به تنهایی خود یک امت بودند... از نظر اشاعه فرهنگ اسلامی و تحکیم آن در عصر کار امتی را انجام داد.

آیت الله ابراهیم امینی علامه طباطبایی از آن شخصیت هایی است که در تمام رشته های علمی، فلسفی و اسلامی تخصص و تبحر

داشته، شخصیت کم نظیری در میان علمای اسلامی است.

علامه طباطبائی، تنها یک دانشمند نبود بلکه یک عالم ربانی و مهذب و یک انسان کامل، با تقوا و با فضیلت بود.

آیت الله خوئی (ره)

او [علامه طباطبائی] یک مغز متفکر و انسان فوق العاده قوی و نیرومندی است. ... علامه طباطبائی، خویش را قربانی قرآن نمود.

علامه طهرانی (ره)

تفسیر المیزان به قدری جالب است و به اندازه ای زیبا و دلنشین است که می توان به عنوان سند عقاید اسلام و شیعه به دنیا معرفی کرد...

استاد موسوی همدانی

هیچ به یاد ندارم در طول بیست و چند سال معاشرت با علامه طباطبائی برای طلبه ای که وارد می شد؛ تمام قامت بلند نشوند و نیز مراقبتی که ایشان از زبان خود داشتند.

آیت الله بهجت

آیت الله بهجت فرزند خود را برای پیمودن راه معرفت به مرحوم علامه ارجاع دادند.

آیت الله سید محمد هادی میلانی (ره)

آیت الله سید محمد هادی میلانی با این که خود مدتی در نجف سمت استادی علامه طباطبائی را داشت، اما درباره ایشان می فرمود:

اگر کسی علمیت و پایه دانش علامه طباطبائی را داشت، ادعاهای چنان و چنان می کرد، اما ایشان دم نمی زند.

همچنین می فرمود:

در عالم تشیع، کسی به جامعیت آیت الله طباطبائی، یا بی نظیر است یا کم نظیر.

و گاهی می فرمود:

علامه طباطبائی علومی دارد که ما نداریم.

و منظورش از آن علوم، علوم باطنی و غیبی بود.

مرحوم علامه تابستان ها به مشهد مشرف می شد و آیت الله میلانی در آن زمان به ایشان خطاب می کرد:

لذت و خوشی من، تنها همین حضرت امام رضا علیه السلام و حضور شما در مشهد است.

باز می فرمود:

شما که در مشهد باشید، من معنای حیات را می فهمم.

سید هاشم حداد (ره)

زمانی که عارف بزرگ، مرحوم سید هاشم حداد، به ایران و قم آمدند، میل خویش را برای دیدار علامه: به حد کمال رسیده و وصف کردند و راضی نشدند استاد طباطبائی به دیدن ایشان بیاید، بلکه خود به منزل علامه رفتند و ساعتی در حضور هم نشستند.

آیت الله علی اکبر مرندي

عارف ناشناخته، آیت الله علی اکبر مرندي - که خود از شاگردان آیت الله قاضی بود - نیز جویندگان راه هدایت را به مرحوم علامه ارجاع می داد، و گاهی می فرمود:

خداوند متعال، لطف بزرگی به من کرد که دو هم حجره خوب نصیب من کرد.

و منظورش از دو هم حجره، علامه طباطبائی و برادرش آیت الله الهی طباطبائی بود؛ و درباره آن زمان می گفت:

با آقایان طباطبائی ها، چهارشنبه جلسه داشتیم؛ چه جلساتی بود! چه سخنان لطیف و ظریفی آن جا مطرح می شد.

یک بار آیت الله مرندي برای معالجه به تهران مسافرت کرد و از آن جا به قم و زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام هم مشرف شد. سپس به فرزندش - که همراهش بود - فرمود:

مرا به خانه علامه ببرید.

در خانه علامه را که زدند، شخصی آمد و در را باز کرد. مرحوم آیت الله مرندي پرسید:

علامه تشریف دارند؟

او پاسخ مثبت داد و سپس آیت الله مرندي فرمود.

به علامه اطلاع دهید که علی اکبر مرندي دم در است.

در این هنگام، علامه سراسیمه، با آن رعشه ای که دستشان داشت، تشریف آورده و گفتند:

آقا علی اکبر مرندي تویی؟! خودتی؟!!

آن گاه روبوسی و مصافحه کردند و همان دم در گریستند. سپس چند ساعت با هم خلوت کردند.

آیت الله علی معصومی (مشهور به آخوند همدانی)

فقیه عارف، آیت الله علی معصومی (مشهور به آخوند همدانی) می فرمود:

من مردی بی هوای از این مرد (علامه طباطبائی) ندیدم.

و نیز می فرمود:

ما همواره علامه طباطبائی را در سکوت می دیدیم تا آن که شبی در خارج شهر مقدس مشهد، در محلی که همواره آیت الله میلانی و عده ای دیگر با علامه طباطبائی بودیم. به مناسبت، مسأله ای پیش آمد و آیت الله طباطبائی دو ساعت تمام بیاناتی فرمودند و به طور مفصل نکاتی گفتند.

پس از پایان سخنانشان، عرض کردم:

من در اعمال - به ظاهر - شب جمعه خوانده بودم که هر کس فلان عمل را انجام دهد، خداوند به وی گنجی عنایت می فرماید یا از مال یا از علم. من چون مال نمی خواستم، آن عمل را به جا آوردم تا خداوند گنج علم را نصیب من گرداند. لله الحمد والشکر، امشب به آن مراد رسیدم و گنج علم را پیدا کردم.

آیت الله محمدی گیلانی

؛ این مرد عظیم والا همت [علامه طباطبایی] که زیر این چرخ کبود ز هر چه رنگ تعلق پذیر آزاد بود، همچون
صالحان اسلاف خویش در فنون گوناگون معقول و منقول صاحب نظر و مبتکر بود.؛
بهاء الدین خرمشاهی
؛ المیزان [علامه طباطبایی] مهمترین و جامع ترین تفسیر شیعه پس از مجمع البیان طبرسی در قرون جدید
است.؛
محمد جواد مغنیه، نویسنده معروف لبنان
؛ ... از وقتی که المیزان بدست من رسیده است، کتابخانه من تعطیل شده و پیوسته روی میز مطالعه من کتاب
المیزان [علامه طباطبایی] قرار دارد.؛
منبع: www.salehin.com